

## بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو، شعر مدرن و شعر پست‌مدرن: مطالعه موردی نیما، شاملو و براهنی

فریبا قطره<sup>۱</sup>

دانشگاه الزهرا

هاجر آقا‌براهیمی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی فرایندهای واژه‌سازی در نمونه‌هایی از اشعار نیما، شاملو و براهنی به‌عنوان پیشگامان شعر نو، مدرن و پست‌مدرن می‌پردازد. واژه‌های حاصل از انواع فرایندهای واژه‌سازی، و نیز واژه‌هایی که ویژه زبان این شاعران بودند شمارش شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در شعر نیما فرایند ترکیب با ۵۷.۹۷٪، در شعر شاملو فرایند اشتقاق با ۴۶.۹۲٪ و در شعر براهنی هر دو فرایند با ۳۸.۲۷٪ پرکاربردترین فرایندهای واژه‌سازی هستند. در شعر نیما ۲۳.۷۱٪، در شعر شاملو ۳۶.۶۱٪ و در شعر براهنی ۲۲.۵٪ از مجموع واژه‌ها متعلق به زبان شعر آنان است و به این ترتیب واژه‌سازی در شعر مدرن شاملو بیشتر از شعر نو نیما و شعر پست‌مدرن براهنی است. علاوه‌براین، تنوع واژگانی در شعر شاملو بیشتر است، از مجموع واژه‌های ویژه شعر او ۲۰٪ اسم، ۵۳.۰۷٪ صفت و ۲۶.۹۲٪ قیدند، درحالی‌که ۷۶.۸۱٪ از واژه‌های ویژه شعر نیما و ۶۴.۱۹٪ از واژه‌های ویژه شعر براهنی، یعنی بخش عمده‌ای از مجموع واژه‌ها، صفت‌اند و با توجه به ویژگی‌های سبکی شعر نو، شعر مدرن و شعر پست‌مدرن، می‌توان گفت که این تفاوت نتیجه تفاوت نگرش این سه شاعر است، یعنی در حالی که برای نیما و براهنی کنش‌گر کانون توجه است، شاملو به کنش و ویژگی‌های آن نیز توجه ویژه دارد. **کلیدواژه‌ها:** واژه‌سازی، ترکیب، اشتقاق، نیما یوشیج، احمد شاملو، رضا براهنی.

1. f\_ghatreh@yahoo.com

2. niloofarebrahimi88@yahoo.com

### ۱- مقدمه

«ادبیات بر زبان دوره خود بنا می‌شود اما نسبت به نرَم عصر تغییراتی دارد. سپس این تغییرات در دوره بعد جزو زبان می‌شود و بدین ترتیب هم زبان بر ادبیات و هم ادبیات بر زبان تأثیر می‌نهد» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۸۱). شاملو بر این باور است که شکل‌بندی شعر در زبان صورت می‌گیرد و بی‌تردید باید بتوان از همه امکانات و ظرفیت‌های زبان برای این شکل‌بندی بهره برد (به نقل از رهنما، ۱۳۷۹: ۲۳). بی‌تردید یکی از امکانات و ظرفیت‌های زبان، فرایندهای پویای واژه‌سازی هستند.

مطالعه ساختمان واژه‌ها و فرایندهای دخیل در ساخت آنها، همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. از منظر ساختمان واژه‌ها می‌توان آنها را به دو گروه ساده یا بسیط، و پیچیده یا غیربسیط تقسیم کرد. «واژه‌ای که فقط یک تکواژ داشته باشد، واژه بسیط یا ساده و واژه‌ای که از چند تکواژ تشکیل شده باشد، واژه غیربسیط نامیده می‌شود» (شقاقی، ۱۳۸۶: ۸۴). بوی<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) فصلی از کتاب خود را به فرایندهای واژه‌سازی اختصاص داده و در آن به تفصیل به دو فرایند اشتقاق<sup>۲</sup> و ترکیب<sup>۳</sup> پرداخته است. او شیوه‌های دیگر ساخت واژه‌های جدید، شامل آمیزش<sup>۴</sup>، سرواژه‌سازی<sup>۵</sup>، اختصارسازی<sup>۶</sup> و کوتاه‌سازی<sup>۷</sup> را واژه‌آفرینی<sup>۸</sup> نامیده است. این فرایندها در هیچ زبانی از میزان زایایی دو فرایند اشتقاق و ترکیب برخوردار نیستند و نمی‌توان قواعدی عام برای ساختن واژه بر مبنای آنها به‌دست داد، به همین سبب آنها را در زمره فرایندهای زایای واژه‌سازی مطرح نمی‌کنند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۰۳).

در این مقاله تلاش خواهیم کرد انواع فرایندهای واژه‌سازی را در شعر نوی نیمه، شعر مدرن شاملو و شعر پست‌مدرن براهنی بررسی کنیم و میزان کاربرد آنها را در هریک از این شعرها مشخص نماییم. ساختار مقاله حاضر به این ترتیب است که در بخش ۲ به شرح انواع فرایندهای واژه‌سازی خواهیم پرداخت. در بخش ۳ توضیح مختصری پیرامون شعر نو، مدرن و پست‌مدرن

- 
1. G. Booij
  2. derivation
  3. compounding
  4. blending
  5. acronym
  6. abbreviation
  7. clipping
  8. word creation

### بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو / ۳

ارائه خواهد شد، بخش ۴ به تحلیل نمونه‌های منتخب اشعار اختصاص داده شده است و در نهایت، در بخش ۵ نتایج به دست آمده ارائه خواهد شد.

## ۲- فرایندهای واژه‌سازی

در این بخش به توضیح دو فرایند عمده واژه‌سازی یعنی اشتقاق و ترکیب خواهیم پرداخت.

### ۲-۱- اشتقاق

اشتقاق فرایندی کاملاً واژگانی است و برون داد آن واژه جدیدی است که به فهرست واژه‌های قاموسی تعلق دارد (بی‌پرد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۴۵-۴۴). بوی (۲۰۰۷: ۷۲) نیز در تعریف اشتقاق می‌نویسد: «اشتقاق عبارت است از ساخت قاموس‌واژه‌ها<sup>۲</sup> از راه وندافزایی، تبدیل<sup>۳</sup>، تکرار و ریشه و الگو<sup>۴</sup>». او اساسی‌ترین نقش فرایند اشتقاق را ساخت واژه‌های قاموسی می‌داند، که به مقوله‌هایی مانند اسم، فعل و صفت تعلق دارند، البته در بسیاری از زبان‌ها قیده‌ها نیز طبقه واژگانی باز را تشکیل می‌دهند و ویژگی خاص آنها این است که برخلاف سه مقوله واژگانی دیگر، معمولاً به‌عنوان درون‌داد در فرایندهای ساخت واژه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. واژه‌های قاموسی مشتق ممکن است به مقوله‌ای متفاوت از مقوله پایه خود تعلق داشته باشند (همان: ۵۲-۵۱). بوی (۲۰۰۷) انواع فرایندهای اشتقاق را شامل اسم‌سازی، فعل‌سازی، صفت‌سازی و قیدسازی می‌داند، علاوه‌براین، تبدیل را نیز نوعی اشتقاق به‌شمار می‌آورد (همان).

نسبت به فرایند اشتقاق، سه دیدگاه عمده وجود دارد، بی‌پرد (۱۹۸۸: ۵۰-۴۶) این سه دیدگاه را اینگونه بر شمرده است: دیدگاه نخست، اشتقاق را گزینش واژگانی<sup>۵</sup>، یعنی وندافزایی در سطح واژه می‌داند، کهلیبر<sup>۶</sup> (۱۹۸۱؛ ۱۹۹۲)، سلکرک<sup>۷</sup> (۱۹۸۲)، اسپروت<sup>۸</sup> (۱۹۸۵) و اسکالیسه<sup>۹</sup> (۱۹۸۴) چنین دیدگاهی داشته‌اند. دیدگاه دوم، یعنی دیدگاه اندرسون<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۲)، آرونف<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۶؛ ۱۹۹۴) و بی‌پرد (۱۹۸۱)، اشتقاق را مجموعه‌ای از فرایندها شامل درج<sup>۱۲</sup> یا

---

1. R. Beard  
2. Lexeme  
3. conversion  
4. root-and-pattern-morphology  
5. lexical selection  
6. R. Lieber

7. E. Selkirk  
8. R. Sproat  
9. S. Scalise  
10. S. Anderson  
11. M. Aronoff  
12. inserting

دوگان‌سازی<sup>۱</sup>، دگرگونی واکه‌ای<sup>۲</sup> و غیره می‌داند. و درنهایت، دیدگاه سوم، یعنی دیدگاه جکندوف<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) و بای‌بی<sup>۴</sup> (۱۹۸۸)، اشتقاق را مجموعه‌ای ایستا از روابط واژگانی به‌شمار می‌آورد.<sup>۵</sup> ما در این مقاله از دیدگاه نخست به فرایند اشتقاق می‌نگریم.

## ۲-۲- ترکیب

فرایند ترکیب در بسیاری از زبان‌ها، پرسامدترین فرایند ساخت قاموس‌واژه‌ها است. در فرایند ترکیب، دو یا چند تکواژ قاموسی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و واژه بزرگ‌تری را می‌سازند. در نمونه‌های ساده، این فرایند شامل ترکیب دو واژه است، که یکی از آنها، یعنی هسته، معنای دیگری را توصیف می‌کند (بوی، ۲۰۰۷: ۷۵).

زایایی فرایند ترکیب به سبب شفافیت معنایی آن است. معنای واژه‌های مرکب معمولاً تاحدودی ترکیبی<sup>۵</sup> است. هنگامی که واژه مرکبی ساخته می‌شود، ما از قبل معنای سازه‌های را می‌دانیم و تنها کاری که باید انجام بدهیم فهمیدن رابطه معنایی این دو بخش است، اگرچه معنای چنین واژه‌هایی همیشه قابل‌پیش‌بینی نیست. یکی دیگر از علل زایایی این فرایند، ویژگی تکرارشوندگی<sup>۶</sup> آن است (همان).

باید به این نکته توجه داشت که ترتیب قرارگرفتن مؤلفه‌های یک واژه مرکب حائز اهمیت است، زیرا گاهی تنها جابه‌جایی این مؤلفه‌ها منجر به تولید واژه‌ای جدید با معنای جدید خواهد شد. برای مثال، در زبان انگلیسی مؤلفه‌های دو واژه arm-chair و chair-arm یکسان‌اند اما توالی متفاوت این مؤلفه‌ها منجر به شکل‌گیری دو واژه متفاوت شده است (کاتامبا و استونهام، ۲۰۰۶: ۵۶).

شقاقی (۱۳۸۶: ۹۲) معتقد است که بسیاری از واژه‌های مرکب، ساخت‌هایی نحوی، از قبیل اضافه، همپایه (=عطفی) و انضمامی، بوده‌اند. برای نمونه، چراغ‌قرمز، چوب‌پنبه، تخت‌خواب، مادر بزرگ و چادر نماز ساخت اضافه دارند، اسم‌ورسم، شیربرنج، سوخت‌وساز و کاهگل ساخت

---

1. reduplicating  
2. vocalic apophony  
3. R. Jackendof  
4. J. Bybee  
5. compositional  
6. recursiveness

همپایه دارند، و نورافکن، آب‌پاش، دست‌باف، دل‌نشین، سربند، دستمال، رونویس، زودرنج، بلندگو و سیاه‌پوش ساخت انضمامی دارند.

شقایق (همان: ۹۷) به این نکته نیز اشاره کرده است که «گاه هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق، برای ساختن واژه جدید به کار می‌روند. چنانچه فرایند اشتقاق بر پایه غیربسیط مرکب عمل کند، واژه مرکب مشتق می‌سازد». ما در تحلیل‌های خود در این مقاله فرایند اشتقاق-ترکیب را جداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم.

### ۳- شعر نو، شعر مدرن و شعر پست‌مدرن

نیما در سال ۱۳۱۶ با سرودن شعر «ققنوس» حرکت کامل شعر فارسی به سوی مرحله تازه‌ای را آغاز کرد. «ققنوس» هم از قید تساوی و قافیة سنتی آزاد بود و هم شکل ارائه آن با آنچه در شعر گذشته فارسی مطرح بود تفاوت داشت. دگرگونی در شیوه جدید نیمایی، از نظر محتوا، از نظر شکل ذهنی و نیز از نظر شکل و قالب، مورد توجه بوده است (یا حقی، ۱۳۸۰: ۵۷-۴۷). ما در این مقاله از منظری دیگر به شعر او خواهیم پرداخت.

حسن<sup>۱</sup> (۱۹۸۷: ۶)، در مقاله «به سوی مفهوم پست‌مدرن»، ویژگی‌های شعر مدرن را این‌گونه توصیف می‌کند: «دارای شکل پیوسته و بسته، هدف، طرح، سلسله‌مراتب، مهارت/کلام، موضوع هنری/اثر پایان‌یافته، فاصله، آفرینش/اجماع<sup>۲</sup>، ترکیب، حضور، محوریت، ژانر/مرز، معناشناسی، الگو<sup>۳</sup>، وابسته‌سازی<sup>۴</sup>، استعاره، گزینش، ریشه/عمق، تعبیر/خوانش، مدلول، خواننده‌محوری، روایت/تاریخ کبیر<sup>۵</sup>، رمزگان برتر، نشانه، گونه، تناسلی/سبب<sup>۶</sup>، بدگمانی<sup>۷</sup>، خاستگاه/سبب، خدای پدر<sup>۸</sup>، متافیزیک، تعین<sup>۹</sup>، استعلا».

واژه پست‌مدرن در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در معماری به کار رفت و، دو دهه بعد، در رشته‌های علوم انسانی نیز مطرح گردید. از ویژگی‌های شعر و ادب پست‌مدرن می‌توان

- 
1. I. Hassan
  2. totalization
  3. paradigm
  4. hypotaxis
  5. grand histoire
  6. genital/phallic
  7. paranoia
  8. God the Father
  9. determinancy

به ساختارشکنی، بهره‌گیری از نظریه‌های زبانی پساساختگرا، گسیختگی زبانی، بی‌مرزی و آفرینش خیالی اشاره کرد. دستور کار بنیادی پسامدرنیسم، ریشه‌کن‌سازی مرزهاست. نگاه پسامدرنیست‌ها به اشیا، گزارشگر فاصله‌ها و گسیختگی‌هاست و آنان در پی نشان‌دادن جهان بیگانه‌ای هستند که همه پیوندهای آن تکه‌تکه گردیده است (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۱-۲۰۹). حسن (۱۹۸۷: ۶) شعر پست‌مدرن را نیز با این ویژگی‌ها توصیف کرده است: «دارای ضد شکل<sup>۱</sup> (ناپیوسته، بازی، بازی، تضاد، آشوب، فرسودگی<sup>۲</sup>/سکوت، فرایند/اجرا/واقعه، مشارکت، آفرینش‌زدایی/واسازی<sup>۳</sup>، تضاد، غیاب، پراکندگی، متن/بینامتن، علم بیان، همنشین<sup>۴</sup>، همپایه‌سازی<sup>۵</sup>، مجاز، ترکیب، ساقه زیرزمینی/سطح<sup>۶</sup>، ضد تعبیر/اشتباه در خوانش، دال، تحریری (نوشتارمحوری)، ضد روایت/ تاریخ صغیر<sup>۷</sup>، گویش فردی، خواستن، جهش، چندشکلی<sup>۸</sup>/ نر و ماده<sup>۹</sup>، روان‌گسیختگی<sup>۱۰</sup>، تفاوت-تفاوت<sup>۱۱</sup>، روح‌القدس، کنایه، عدم تعین، حلول<sup>۱۲</sup>».

#### ۴- تحلیل داده‌ها

با هدف بررسی انواع فرایندهای واژه‌سازی و میزان کاربرد آنها در شعر نو، مدرن و پست‌مدرن، نمونه‌هایی از این اشعار، شامل ۵۰ شعر از نیما (طاهباز<sup>۱۳</sup>، ۱۳۷۵)، ۵۰ شعر از شاملو<sup>۱۴</sup> (۱۳۹۰)

- |                              |                           |
|------------------------------|---------------------------|
| 1. Antiform                  | 7. petite histoire        |
| 2. Exhaustion                | 8. polymorphous           |
| 3. decreation/deconstruction | 9. Androgynous            |
| 4. Syntagm                   | 10. schizophrenia         |
| 5. Parataxis                 | 11. difference-difference |
| 6. rhizome/surface           | 12. Immanence             |

۱۳. قو، می‌خندد، وای بر من، گل مهتاب، شکسته‌پر، لکه‌دار صبح، جفندی پیر، آی آدم‌ها، بوجهل من، نیما، بازگردان تن سرگشته، مردگان موت، گنج است خراب راه، داستانی نه‌تازه، شب قورق، وقت تمام، که می‌خندد؟ که گریان است؟، او را صدا بزن، از دور، گندنا، نام بعضی نفرات، جوی می‌گرید، می‌خندد، ابجد، مهتاب، در شب تیره، اجاق سرد، هنگام که گریه می‌دهد ساز، با قطار شب و روز، بر فراز دشت، جاده خاموش است، بر فراز دودهایی، باد می‌گردد، در ره نهفت و فراز ده، در بستم، در شب سرد زمستانی، تا صبح‌دمان، هنوز از شب، مرغ شب‌بویز، شب است، داروگ، خانه‌ام ابری‌ست ... «ری‌را»، همه شب، در کنار رودخانه، هست شب، فرق است، برف، بر سر قایقش، ترا من چشم در راهم.

۱۴. مرگ نازلی، شبانه، افق روشن، برای شما که عشق‌تان زندگی است و شبانه از کتاب «هوای تازه»، بر سنگفرش، ماهی، طرح، باران از کتاب «باغ آینه»، شبانه، من و تو، آیدا در آینه، میعاد از کتاب «آیدا در آینه»، شبانه، شکاف و مرثیه از کتاب «آیدا: درخت و خنجر و خاطر»<sup>۱۵</sup>، مرگ ناصری، چشم‌اندازی دیگر...، نقش و اسباب از کتاب «ققنوس در باران»، شامگاهی، تمثیل، مرثیه و شبانه از کتاب «مرثیه‌های خاک»، فصل و سرود برای مرد روشن که به سایه رفت از کتاب «شکفتن در مه»، شبانه، شبانه، غریبانه، ترانه تاریک، بر سرمای درون، شبانه، شبانه، تعویذ، از این‌گونه مردن، محاق و درآمیختن از کتاب «براهیم در آتش»، شبانه، شکاف، باران، خطابه تدفین و شبانه از کتاب «دشنه در دیس»، ترانه کوچک، عاشقانه و رستاخیز از کتاب «ترانه‌های کوچک غربت»، سپیده‌دم، کویری، ترانه اشک و آفتاب از کتاب «مدایح بی‌صه»، حکایت از کتاب «در آستانه».

#### بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو / ۷

و ۴۵ شعر از براهنی<sup>۱</sup> (۱۳۷۴) به‌عنوان پیشگامان این دو جریان ادبی، انتخاب شد؛ سپس واژه‌های حاصل از سه فرایند اشتقاق، ترکیب و اشتقاق- ترکیب شناسایی و از مجموع این واژه‌ها، آنهایی که ویژه زبان این دو شاعر بودند مشخص و شمارش شدند<sup>۲</sup>. در ادامه به یافته‌های پژوهش اشاره می‌شود.

#### ۴-۱- اشتقاق

در ۵۰ شعر منتخب نیما، در مجموع ۲۹۱ واژه مشتق (۱۴۰ واژه)، مرکب (۱۱۹ واژه) و مشتق-مرکب (۳۲ واژه) شناسایی شد که ۶۹ واژه، یعنی ۲۳.۷۱٪ از مجموع واژه‌ها، ویژه زبان شعر او بودند. نمونه‌هایی از این واژه‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

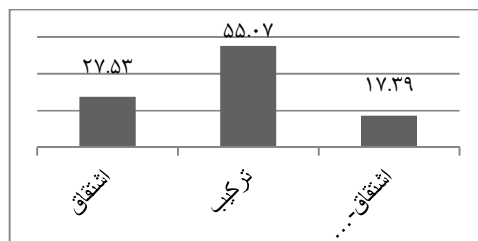
جدول ۱- نمونه‌هایی از واژه‌های ویژه شعر نیما

اشتقاق			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
بلندا حبسگاه خارستان کشتگاه	افسرده وار بنا هنگام به‌نهان بی‌اندام دل‌افسا	گردنده نامراقب	اندیشه‌کنان به‌یاوه تازان شبان عطشان
ترکیب			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
تاریکخانه سحرخوان مردهمار نهانجا همچند	افسون‌زا تیره‌رو چربدست حیله‌اندوز خزه‌بسته	دام‌گشا دل‌گزا شوق‌افزا گیود‌اندود کور دیده	مرغبار‌آور نازک‌آرا نفرت‌زای نیلی‌چهر
اشتقاق-ترکیب			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
	به‌جان‌باخته چرک‌آلود دل‌بیفسرده	روفته‌شده شتاب‌انگیزکار گمان‌بسته	نفس‌مرده تیم‌مرده

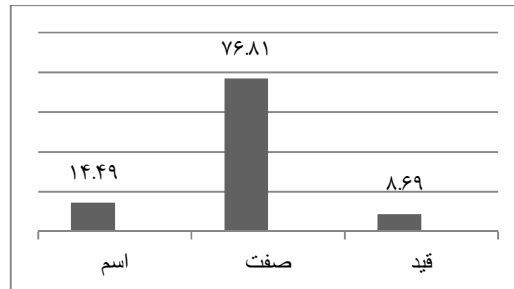
۱. دف، دهان، وسوسه سؤال، فواره، ماه، نیامد، مهربانی، پاییز در تهران، بازگشتن، تابستان تصویر، همه، پس از دیدار، وارونه، از هوش می، پله آخر، موسیقی، می‌سوزد، رویای روبرو، بین، بهار، پنجره را باز کن، هفت، آواز، آدم‌های اتاق، درونی، تصادف، نسیم و خاکستر، حرف، حتی اگر صدا، صدای آخر دنیا باشد، گشت و بازگشت، شکسته، خطاب به پروانه‌ها، انگار خواب نیز همان خواب نیست، حضور، ستایش، آه، آن چند ثانیه! «باستورکیتون»، سوکنامه، شُرا، حالا می‌بینم، با احمد شاملو، زن-شَمَن، آنچه نوشته‌ام، در این زمین زیبای بیگانه، می‌سوزیم، نگاه چرخان از کتاب «خطاب به پروانه‌ها».

۲. لازم به توضیح است که اشعار براهنی طولانی‌تر از اشعار دو شاعر دیگر بودند، بنابر این برای نزدیک‌بودن تقریبی تعداد واژه‌ها، تعداد شعرهایی که از او انتخاب کردیم کمتر است.

از ۶۹ واژه‌جدول بالا، ۵۵.۰۷٪ واژه‌ها حاصل فرایند ترکیب، ۲۷.۵۳٪ واژه‌ها حاصل فرایند اشتقاق و ۱۷.۳۹٪ واژه‌ها حاصل فرایند اشتقاق-ترکیب بودند. بنابراین، فرایند ترکیب پربسامدترین فرایند واژه‌سازی در شعر نیما است. از مجموع واژه‌های ویژه شعر او ۱۴.۴۹٪ به طبقه اسم، ۷۶.۸۱٪ به طبقه صفت و ۸.۶۹٪ به طبقه قید تعلق دارند. نتایج مذکور را می‌توان در نمودارهای ۱ و ۲ نشان داد.



نمودار ۱- فرایندهای واژه‌سازی در شعر نیما



نمودار ۲- مقوله‌های واژگانی در شعر نیما

#### ۴-۲- تحلیل شعر شاملو

در ۵۰ شعری که از شاملو مورد بررسی قرار گرفت، در مجموع ۳۵۵ واژه: مشتق (۱۸۸ واژه)، مرکب (۱۴۶ واژه) و مشتق-مرکب (۲۱ واژه) شناسایی شد، که از این میان ۱۳۰ واژه، یعنی ۳۶.۶۱٪، ویژه زبان شعر شاملو بودند. نمونه‌هایی از این واژه‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده‌اند. از ۱۳۰ واژه جدول، ۴۷.۶۹٪ واژه‌ها حاصل فرایند اشتقاق، ۴۳.۰۷٪ واژه‌ها حاصل فرایند ترکیب و ۹.۲۳٪ واژه‌ها حاصل فرایند اشتقاق-ترکیب بودند.

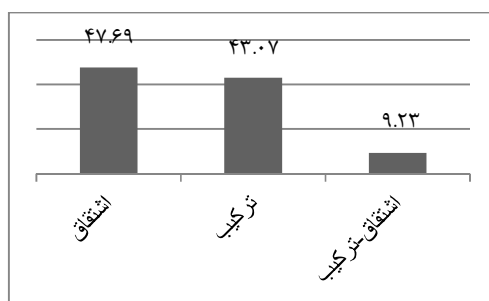


بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو / ۹

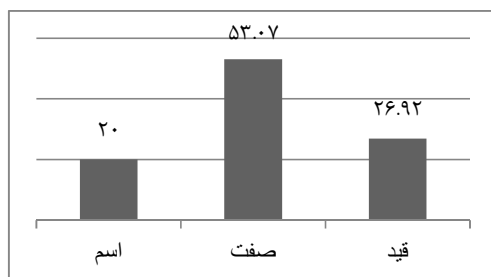
جدول ۲- نمونه‌هایی از واژه‌های ویژه شعر شاملو

اشتقاق			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
زخم‌بندی زنه‌گی نازکا تازیانه‌زار	ستاره‌بی سرخگون روئینه ناشکفته نامنظر واگوینده	اندگنانه به‌یلامت به‌تردید به‌مهر بی‌گاه دیوانه‌آسا	شتابناک قناعت‌وار مؤمنانه خیال‌گونه گام‌زنان نابهنگام
ترکیب			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
آبشر چرامرگ خاریوته سبزه‌شور کمان‌کش مخالصرا	ابرآلود آتش‌پیز آتش‌خون آز انگیز پاد‌گریز بی‌یست	پرت‌افتاده پرشریه چرم‌باف خزه‌بو دل‌به‌دریا افکن رویینه‌تن	شکوه‌پاره طنز‌آلود کهنه‌بهبال کینه‌دار هم‌تصویر
اشتقاق-ترکیب			
اسم‌سازی	صفت‌سازی		قیدسازی
برآماسیده به‌یاد‌ارنده تمامی‌نایزیر	چوبین‌بار خزان‌رسیده درخون‌تپیده	رودرخاموشی زم‌گمیخته‌زه	بازی‌گوشانه تنگ‌چشمانه چرب‌دستانه

بنابراین، فرایند اشتقاق پربسامدترین فرایند واژه‌سازی در شعر شاملو است. از دیگر نتایج این بررسی، تنوع واژه‌های حاصل از این فرایندها در شعر شاملو است. از مجموع واژه‌های ویژه شعر او ۲۰٪ به طبقه اسم، ۵۳.۰۷٪ به طبقه صفت و ۲۶.۹۲٪ به طبقه قید تعلق دارند. نتایج مذکور را می‌توان در نمودارهای ۳ و ۴ نشان داد.



نمودار ۳- فرایندهای واژه‌سازی در شعر شاملو



نمودار ۴- مقوله‌های واژگانی در شعر شاملو

باید به این نکته نیز اشاره کرد که در نمونه‌های گزینش‌شده شعر شاملو، علاوه بر سه فرایند مذکور، یک مورد «تبدیل» نیز مشاهده شد: «بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار»، که «نبود» به صفت تبدیل شده است.

#### ۴-۳- تحلیل شعر براهنی

در ۴۵ شعری که از براهنی مورد بررسی قرار گرفت، در مجموع ۳۶۰ واژه مشتق (۱۷۳ واژه)، مرکب (۱۴۰ واژه) و مشتق-مرکب (۴۷ واژه) شناسایی شد، که از این میان ۸۱ واژه، یعنی ۲۲.۵٪، ویژه زبان شعر براهنی بودند، نمونه‌هایی از این واژه‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده‌اند. از ۸۱ واژه مذکور، ۳۸.۲۷٪ حاصل فرایند اشتقاق، ۳۸.۲۷٪ حاصل فرایند ترکیب، و ۲۳.۴۵٪ حاصل فرایند اشتقاق-ترکیب بودند. بنابراین، دو فرایند ترکیب و اشتقاق پربسامدترین فرایندهای واژه‌سازی در شعر براهنی هستند. از دیگر نتایج این بررسی آن است که بخش عمده‌ای از واژه‌های براهنی به طبقه صفت تعلق دارند. از مجموع واژه‌های ویژه شعر او ۶۴.۱۹٪ به طبقه صفت، ۲۰.۹۸٪ به طبقه اسم و ۱۴.۸۱٪ به طبقه قید تعلق دارند. نتایج مذکور را می‌توان در نمودارهای ۵ و ۶ نشان داد.

در نمونه‌های گزینش‌شده شعر براهنی، علاوه بر سه فرایند مذکور، پنج مورد تکرار<sup>۱</sup> و همچنین پنج مورد تبدیل<sup>۲</sup> نیز مشاهده شد. نکته مهمی که باید به آن اشاره شود تبدیل اسم

۱. «های‌های»، «دَف‌دَف‌دَف»، «دَف‌دَف‌دَف‌دَف»، «دَف‌دَف‌دَف»، «هَلَه‌م‌هَلَه‌م‌هَلَه‌لَم‌هَلای‌هَلَه‌هَلَه‌هَلَه».

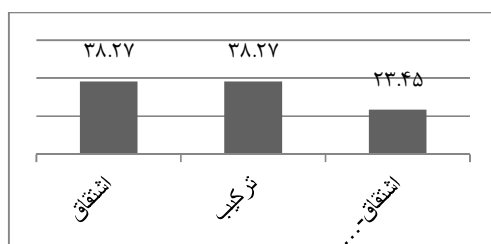
۲. شرق (شب زرتشت شرق‌های کهن)، شمال و جنوب (جویبارهای خیابان‌ها را از یک شمال روشن سوی جنوب‌های جهان می‌راند)، دف (دَف‌دَف‌دَف تنور تنم را بدف!)، شوپن (پیانو می‌شپند یک شوپن به پشت یک پیانو).

بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو / ۱۱

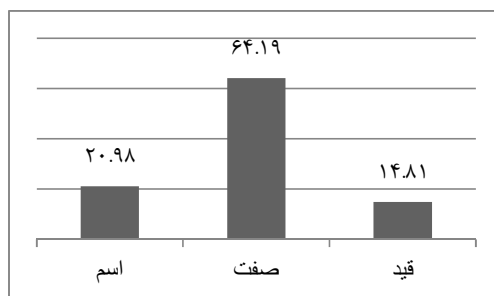
به فعل در شعر براهنی است که عبارت است از تبدیل «دف» و «شوپن» به فعل. در شعر او دف را باید «دفید» و پیانو را باید «شوپنید».

جدول ۳- نمونه‌هایی از واژه‌های ویژه شعر براهنی

اشتهاق				
اسم‌سازی	صفت‌سازی			قیدسازی
بلند ا	آهویی	فاتحانه	رمزواره	پروانه‌وار
دفیدن	بوسیدنی	حسی	کهنشانی	به ظاهر
کفترک	بی‌جنس	حیرت‌بار	کیهانی	به صف
مادگی	پرنده‌وار	خمپاره‌وار	گردابی	به یادگار
ترکیب				
اسم‌سازی	صفت‌سازی			قیدسازی
آبی-بنفش	آبی‌چشم	خورشیدلب	قیقاج-چشم	یکیک
آهوبره	بادآورد	ریزبنفشه	گیسولند	پهلوبه‌پهلو
دفاه	بنلوطرنگ	زن‌مرد	ماهی‌مانند	
رنگ‌دار	خشخاش-چشم			
گرد روح				
گلگاه				
ماه-باغ				
اشتهاق- ترکیب				
اسم‌سازی	صفت‌سازی			قیدسازی
باز آفرینی	ابروکشیده‌سوی‌معجزه‌ها	ماخولایی‌رنگ	ازخویشی‌خبر	چرخ‌زنان
حرم‌گذاری	آفتابی‌رنگ	به‌بهار آغشته	ازراه‌بی‌خبر	دعاخوانان
دوردستی	بی‌زمانی	بوسه‌نهاده‌بر آواز	جسته‌جسته	سیلی‌زنان
زبان‌بستگی				



نمودار ۵- فرایندهای واژه‌سازی در شعر براهنی



نمودار ۶- مقوله‌های واژگانی در شعر براهنی

مقایسه نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که روند کاربرد انواع فرایندهای واژه‌سازی در شعر نوی نیما، شعر مدرن شاملو و شعر پست‌مدرن براهنی کاملاً متفاوت است. در حالی که در شعر نیما فرایند «ترکیب» پربسامدترین فرایند است، در شعر شاملو فرایند «اشتقاق» بیشترین کاربرد را داشته است و در شعر براهنی این دو فرایند به یک اندازه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به این ترتیب نمی‌توان گفت که در زبان شعر معاصر کدام فرایند واژه‌سازی معمول‌تر است.

جدول ۴- مقایسه انواع فرایندهای واژه‌سازی در شعر نیما، شاملو و براهنی

نوع فرایند	براهنی	شاملو	نیما
تکرار	اسم‌سازی	٪۶.۱۷	٪۶.۹۴
	صفت‌سازی	٪۲۷.۱۶	٪۱۱.۱۱
	قیدسازی	٪۴.۹۳	٪۵.۵۵
	مجموع	٪۳۸.۲۷	٪۲۳.۶۱
تغییر	اسم‌سازی	٪۹.۸۷	٪۸.۳۳
	صفت‌سازی	٪۲۵.۹۲	٪۵۱.۳۸
	قیدسازی	٪۲.۴۶	۰
	مجموع	٪۳۸.۲۷	٪۵۹.۷۲
ساخت	اسم‌سازی	٪۴.۹۳	۰
	صفت‌سازی	٪۱۱.۱۱	٪۱۶.۶۶
	قیدسازی	٪۷.۴	۰
	مجموع	٪۲۳.۴۵	٪۱۶.۶۶

### بررسی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نو / ۱۳

همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، کاربرد دو فرایند اشتقاق و ترکیب در شعر شاملو بیش از کاربرد این دو فرایند در شعر براهنی است و فرایند ترکیب بیشترین کاربرد را در شعر نیما داشته است. کاربرد فرایند ترکیب-اشتقاق در شعر براهنی بسیار بیشتر از کاربرد این فرایند در شعر نیما و شعر شاملو است. به نظر می‌رسد که در شعر پست‌مدرن براهنی، گستره کاربرد انواع مختلف فرایندهای واژه‌سازی، تنوع بیشتری را نشان می‌دهد. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که محور اصلی فرایندهای واژه‌سازی در شعر نیما و نیز شعر براهنی صفت‌سازی است، درحالی‌که این فرایندها در شعر شاملو تنوع بیشتری را نشان می‌دهند و علاوه بر صفت‌سازی بخش قابل ملاحظه‌ای از این فرایندها در قیدسازی و اسم‌سازی نیز نقشی پویا داشته‌اند. با توجه به ویژگی‌های سبکی شعر نو، شعر مدرن و شعر پست مدرن، می‌توان گفت که این تفاوت نتیجه تفاوت نگرش این سه شاعر است، یعنی در حالی که برای نیما و براهنی کنش‌گر کانون توجه است، شاملو به کنش و ویژگی‌های آن نیز توجه ویژه دارد.

#### ۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که در شعر نیما فرایند ترکیب با ۵۹.۷۲٪، در شعر شاملو فرایند اشتقاق با ۴۶.۹۲٪ و در شعر براهنی هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق با ۳۸.۲۷٪ پرکاربردترین فرایندهای واژه‌سازی هستند. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که در شعر نیما ۲۴.۷۴٪، در شعر شاملو ۳۶.۶۱٪ و در شعر براهنی ۲۲.۵٪ از مجموع واژه‌های مشتق، مرکب و مشتق-مرکب متعلق به زبان شعر آنان بوده است و به این ترتیب می‌توان گفت که واژه‌سازی در شعر مدرن شاملو بیشتر از شعر نوی نیما و یا شعر پست‌مدرن براهنی کاربرد داشته است. علاوه بر این، تنوع واژگانی در شعر شاملو بیشتر است. از مجموع واژه‌های ویژه شعر او ۲۰٪ اسم، ۵۳.۰۷٪ صفت و ۲۶.۹۲٪ قید هستند، درحالی‌که ۶۴.۱۹٪ از مجموع واژه‌های ویژه شعر براهنی و ۷۹.۱۶٪ از واژه‌های ویژه شعر نیما به مقوله صفت تعلق دارند. به نظر می‌رسد که کانون تمرکز نیما و براهنی، بیش از هرچیز، کنشگران و ویژگی‌های آنهاست و در نتیجه، میزان کاربرد صفت‌ها در شعر آنها بیشتر است، درحالی‌که شاملو نه تنها بر کنش‌گران، که بر کنش‌ها و چگونگی آنها نیز متمرکز می‌شود و بنابراین در کنار صفت‌ها از تعداد قابل ملاحظه‌ای از قیده‌ها نیز استفاده می‌کند، اگرچه این موضوع مستلزم پژوهشی دیگر

است. نگاهی به میزان صفت‌سازی در شعر هر سه شاعر نشان می‌دهد که در هر سه نوع شعر تمایل به ساخت صفت بیش از تمایل به ساخت هر مقوله دیگری است. در نهایت، باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که براهنی گاهی در شعر خود اسم را به فعل تبدیل کرده و با تصریف آن، صورت‌واژه<sup>۱</sup> ابداع کرده است.

### منابع

براهنی، رضا (۱۳۷۴). *خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم*. تهران: مرکز. تسلیمی، علی (۱۳۸۸). *نقد ادبی (نظریه‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی)*. تهران: کتاب آ مه.

رهنما، تورج (۱۳۷۹). *شعر، رهایی است*. تهران: ققنوس.

شاملو، احمد (۱۳۹۰). *گزینۀ اشعار*. تهران: مروارید.

شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *میانی صرف*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: انتشارات فردوس.

طاهباز، سیروس (۱۳۷۵). *مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج*. تهران: نگاه.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.

Beard, R. (1998). "Derivation". In: Andrew Spencer and Arnold M. Zwicky (eds.) *the handbook of Morphology*. Oxford: Blackwell, 66-88.

Booij, G. (2007). *The Grammar of Words: An Introduction to Linguistic Morphology*, 2<sup>nd</sup> ed. Oxford: Oxford University Press.

Katamba, F. and Stonham, J. (2006). *Morphology*, 2<sup>nd</sup> ed. Houndmills: MacMillan.

Hassan, I. (1987). *Toward a Concept of Postmodernism*. available at:

<http://www.mariabuszek.com/kcai/PoMoSeminar/Readings/HssnPoMo.pdf>.

---

1. Word form